

قوانین، نقش دستگاه‌های اجرایی و کنوانسیون

آزاده موسایی نژاد

کارشناسی ارشد حقوق تجارت بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی

فهیمه یوسفی

کارشناسی مدیریت بازرگانی، دانشگاه غیرانتفاعی برآیند

فهیمه عرب یار محمدی

کارشناسی ارشد مهندسی مواد - سرامیک، دانشگاه آزاد اسلامی

مقدمه

کم توانی و معلولیت از مفاهیمی هستند که از ابتدای تاریخ بشر وجود داشته و در هر مقطعی از تاریخ رویکرد جامعه نسبت به این مفاهیم متفاوت بوده است. گاه همچون جوامع بدوی افراد معلول در بدو تولد نابود می شدند، تا از سر بار شدن این افراد جلوگیری شود و گاه با دیدی ترحم آمیز به آنان نگریده شده و معلولان به افرادی شایسته ترحم و صدقه بگیر، بدل شده‌اند. ولی امروزه نه جامعه بشری و نه خود این افراد، هیچ کدام از این دیدگاه‌ها را نمی پذیرند. افراد کم توان امروزه بیش از آنکه بدنبال امتیازات ویژه باشند، خواهان ایفا نقش و کسب مسوولیت‌های برابر با سایر اعضای جامعه هستند و با سازماندهی تشکل‌های قدرتمند در پی احقاق حقوق فراموش شده خود می‌باشند. افراد معلول که خود را بزرگ‌ترین اقلیت در جهان می‌دانند به آن مرحله از رشد و تعالی دست یافته‌اند که در برخی کشورها حتی قادر به تاثیرگذاری بر جوامع تصمیم‌گیری و سیاست گذاری هستند و از این طریق تلاش می‌کنند تا از پامال شدن‌شان و شخصیت انسانی خود جلوگیری کنند. این حقیقت که ۲۰ درصد از مردم فقیر جهان به نوعی دچار معلولیت هستند. توجه بین‌المللی در حمایت از افراد دارای معلولیت از اوایل دهه هفتاد میلادی، به پیشگامی سازمان ملل، سال ۱۹۸۱ را به عنوان سال جهانی معلولان اعلام نمود، مدت زمان زیادی می‌گذرد. اعلام سوم دسامبر هر سال به عنوان روز جهانی معلولان و تدوین برنامه اقدام جهانی برای معلولان تلاش‌های وسیعی را در سطح جوامع مختلف برای بهبود وضعیت معلولان بدنبال داشته است.

تعاریف

معلول: مطابق قانون جامع حمایت از معلولان، معلول به فردی گفته می‌شود که به تشخیص کمیسیون پزشکی سازمان بهزیستی، بر اثر ضایعه جسمی، ذهنی، روانی یا توام، اختلال مستمر و قابل توجهی در سلامت و کارآیی عمومی وی ایجاد گردد، به طوری که موجب کاهش استقلال او در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی شود. (قانون جامع حمایت از معلولان، ۱۳۸۳، تبصره ماده ۱).

بیان مسئله

چگونگی روابط انسان‌ها با محیط، نحوه برقراری و تأثیر پذیری خصوصیات اکوسیستم‌ها در کیفیت احساسی و روانی انسان‌ها، امروزه یکی از انشعاب‌های علوم انسانی را پدید آورده است. انسان باید در محیطی زندگی کند که واجد شرایطی ملزومات رشد و توسعه جوامع، ایجاد بسترهای فضایی و کالبدی مناسب جهت استفاده همه اقشار جامعه از خدمات و امکانات عمومی، به منظور تحرك و جابجایی بهتر و دسترسی آسانتر در سطح شهر است. ناتوانان جسمی، معلولان و جانبازان، بخشی از افراد جامعه‌اند که همچون سایرین، نیازمند دسترسی و استفاده از امکانات و خدمات عمومی هستند. اما با وجود برخی موانع به خصوص در نحوه طراحی، معماری و شهرسازی، بسیاری از فضاهای شهری، به ویژه معابر عمومی، پارک‌ها و فضاهای سبز را فاقد شرایط لازم برای برآورده ساختن نیازهای افراد معلول نموده است. با توجه به اهمیت مسئله مراکز تفریحی و باغ‌های شهری، باید طوری احداث شوند که مورد استفاده افراد ناتوان جسمی و معلولان نیز قرار گیرند. تقسیم بندی فضاهای داخلی این اماکن، باید به نحوی انتخاب شود که اشیاء ثابت و متحرک داخلی آنها، کوچک‌ترین مشکلی برای عبور نابینایان و ستدلی چرخ دار به وجود نیارود. فرد معلول باید بتواند به آسانی خود را به مرکز تفریحی برساند و در داخل آن بدون کمک دیگران گردش کند. این مسئله برای کلیه معلولان (از نابینایان تا افرادی که دارای نقص عضو هستند)، صدق می‌کند. برای دستیابی به این هدف، آن‌ها محتاج به فضایی هستند که نه برای دیگران مزاحمتی ایجاد نمایند و نه دیگران برای آنها مشکلی به وجود آورند. متأسفانه پارک‌های شهری نیز همانند دیگر تأسیسات شهری (کاربری‌های شهری) قادر به میزبانی از معلولان نیستند و به آنها بهره کافی نمی‌رسانند.^۱

همچنین به نظر می‌رسد هنوز دغدغه‌های لازم در بسیاری از نهادهای مسئول برای مناسب‌سازی معابر شکل نگرفته است.

بر همین اساس رئیس دبیرخانه ستاد هماهنگی و پیگیری مناسب‌سازی کشور از غفلت دستگاه‌های اجرایی نسبت به وظایف قانونی در این حوزه گلایه کرد و گفت: مناسب‌سازی فقط مختص معلولان نیست بلکه برای همه مردم است و این نیاز در تردد همه افراد جامعه احساس می‌شود اما متأسفانه تا زمانی که این

۱- حناچی، سیمین، ۱۳۸۹، نقش آگاهی عمومی و آموزش تخصصی در مناسب‌سازی محیط شهری، مجموعه مقالات کارگاه تخصصی طراحی فضاهای عمومی قابل دسترسی برای کم توانان جسمی، مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن.

۲- ریسی دهکردی، بهمن، ۱۳۸۰، معلولان و سد معابر عای معماری و ساختمانی، انتشارات سازمان حمل و نقل و ترافیک تهران.

قضیه عزم ملی نداشته باشد کارها به خوبی پیش نمی‌رود.

مسئولین ستاد مناسب‌سازی یک‌بار هم در جلسات این ستاد حضور نداشته است. این مسئله در حالی رخ می‌دهد که در قانون برای دستگاه‌های مختلف وظایفی تعیین شده و وزارت کشور، رئیس ستاد مناسب‌سازی و دبیر آن رئیس سازمان بهزیستی است. با وجود این، برخلاف تصمیم‌های پیشین جلسات مناسب‌سازی در سطح کلان به‌موقع برگزار نمی‌شود و به همین خاطر گویا اغلب نهادهای مسئول نیز وظیفه‌ای برای ارائه گزارش کار در خود حس نمی‌کنند.

اگر این جلسات در سطح کشور برگزار نشود در استان‌ها و شهرها با ضعف مواجه خواهند بود.

البته در برخی از شهرهای کشور به‌خصوص در تهران، شهرداری‌ها در قالب برنامه‌های یکساله و پنج‌ساله، وظایف مختلفی برای مناسب‌سازی معابر شهری در دستور کار قرار داده‌اند؛ آن‌طور که از آغاز امسال طرح‌های شهرداری تهران در این زمینه به‌صورت ویژه شروع شده و با تهیه شیوه‌نامه نحوه مناسب‌سازی از نیمه شهریورماه سرعت انجام کارها افزایش یافته است. باید یک‌بوستان مناسب‌سازی شده و به امکاناتی نظیر ویلچر و ست‌ورزشی برای استفاده معلولان و کم‌توانان تجهیز شود.

از سوی دیگر مناسب‌سازی معابر معروف و اصلی شهرها بویژه تهران باید به سرعت انجام شود. همچنین تأمین خودروهای مخصوص در سطح شهرها برای افراد معلول در نظر گرفته شود. یکی از مسائل جدی حوزه مناسب‌سازی این است که هنوز در بسیاری از نهادها فرهنگسازی لازم در رابطه با مناسب‌سازی معابر و در مفهوم کلی‌تر تحقق شهرها دسترس‌پذیر شکل نگرفته است. در این رابطه رئیس دبیرخانه ستاد هماهنگی و پیگیری مناسب‌سازی ستاد کشور هم با بیان اینکه از جمله وظایف قانونی برای دستگاه‌ها فرهنگ‌سازی است، گفت: طبق ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی که حدود ۱۰ سال از آن می‌گذرد وزارت علوم موظف بوده ۲ واحد درسی در رابطه با مناسب‌سازی در دروس مرتبط بگنجانند اما اکنون می‌بینیم که مهندسان و دانش‌آموختگان از آن بی‌خبرند و این به معنی کوتاهی دستگاه‌هاست.

صدا و سیما، وزارت ارشاد و بهزیستی وظیفه فرهنگسازی دارند اما هنوز یک برنامه مناسب‌سازی ساخته نشده است. همچنین وزارت صنعت و تولید مناسب تولید کند و با اینکه فهرست مورد نیاز خود را به آنها داده‌ایم اما اقدامی انجام نشده است. تا زمانی که دستگاه‌ها به وظایف خود در این رابطه عمل نکنند کاری جلو نمی‌رود، وزارت راه و شهرسازی نیز وظیفه دارد به دستگاه‌های مرتبط چک لیست‌های نظارتی بدهد اما محقق نشده است. بودجه اختصاصی به این منظور در نظر گرفته شود.

تعداد زیاد افراد معلول در جهان موجب اتخاذ تدابیر گوناگونی در سطح ملی بین‌المللی شد. آسیب‌پذیر بودن بیش از حد معلولان سبب به‌انزو کشیده شدن ایشان می‌شود و به همین دلیل نیز اغلب آن‌ها عملاً قادر به مشارکت در امور اجتماعی نمی‌باشند. تدوین کنوانسیون مربوط به حقوق اشخاص معلول (۲۰۰۶) توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد نقطه عطفی در حمایت از حقوق افراد مزبور تلقی می‌شود. این کنوانسیون در پی شناسایی رفع تبعیض و ایجاد فرصت‌های برابر بین معلولان و سایر افراد می‌باشد. کنوانسیون حقوق اشخاص معلول با یک دیباچه نسبتاً طولانی در ۲۵ بند، ضمن تأکید بر حقوق و آزادی‌های اساسی بشر در تلاش است معلولان را مورد حمایت خاص خود قرار دهد. بدین منظور در دیباچه کنوانسیون از یک طرف بر اصل غیر قابل تقسیم بودن و وابستگی‌های متقابل حقوق بشر و

آزادی‌های بنیادین و ضرورت تضمین برخورداری اشخاص معلول بدون تبعیض و از طرف دیگر بر ضرورت ادغام اصل برابری جنسیتی در تمام کوشش‌های مربوط به ارتقاء و برخورداری کامل اشخاص معلول از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین تأکید می‌کند.

اشتغال به عنوان یک از مسئله تاثیر گذار در زندگی انسان امروزه از پشتوانه حمایتی خوبی در اسناد بین‌المللی و حقوق داخلی برخوردار شده است و به عنوان یک حق، جایگاه خود را در میان سایر حقوق بنیادین بشری استحکام بخشیده است. مشخصاً در مورد اشخاص دارای معلولیت به دلیل شرایط فیزیولوژیکی خاص، اتخاذ سیاست‌های حمایتی مناسب به منظور دست یابی برابر به فرصت‌های شغلی و تحقق‌های مشارکت کامل در جامعه همواره مورد توجه بوده است. در این راستا اسناد بین‌المللی مربوطه بویژه کنوانسیون راجع به حقوق معلولان می‌باشد. دولت جمهوری اسلامی ایران همانند بسیاری از کشورها اقداماتی به منظور حمایت از معلولان انجام داده است. تصویب قانون جامع حمایت از معلولان در سال ۱۳۸۳ و الحاق به کنوانسیون مربوط به حقوق اشخاص معلول در سال ۲۰۰۹ در همین راستا مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. به طور کلی رویه داخلی کشورها در حوزه حمایت از حقوق معلولان از تنوع زیادی برخوردار است زیرا برخی از آن‌ها به طور صریح به اصل عدم تبعیض علیه معلولان اشاره و آن را مقررات کیفری خود جرم‌انگاری کرده‌اند. ماده ۷ کنوانسیون در جهت کمک به اشتغال معلولان می‌باشد و به همین دلیل دولت را موظف به ایجاد فرصت‌های شغلی برای افراد معلول می‌کند. مطابق این ماده دولت باید تسهیلاتی درباره اختصاص حداقل سه درصد از مجوزهای استخدامی (رسمی، پیمانی، کارگری) دستگاه‌های دولتی و عمومی اعم از وزارتخانه‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات، نهادهای عمومی و انقلابی دیگر دستگاه‌هایی که از بودجه عمومی کشور استفاده می‌نمایند را برای افراد معلول واجد شرایط در نظر بگیرد. با وجود کاستی‌های موجود در قانون جامع حمایت از حقوق معلولان، باید اذعان داشت که در نظام حقوقی ایران این قانون به عنوان اولین قانونی است که به طور مستقیم حمایت از حقوق معلولان را مورد توجه قرار داده است. با الحاق ایران به کنوانسیون حقوق اشخاص معلول در اواخر سال ۲۰۰۹، مفاد کنوانسیون مزبور نیز مطابق با ماده ۹ قانون مدنی ایران^۱ می‌باشد.

دولت ایران در غیر مواردی که تمایلی به تطبیق مقررات داخلی با مقررات کنوانسیون ندارد باید تلاش کند تا اقدامات لازم جهت پیروی و تضمین مؤثر تعهدات پذیرفته شده بین‌المللی اش به عمل آورد. انتخاب وزارت رفاه و تأمین اجتماعی (سازملان بهزیستی کشور) و بنیاد شهید و امور ایثارگران در ماده واحده اجازه الحاق ایران به کنوانسیون حقوق اشخاص معلول، در راستای اجرای مفاد ماده ۳۳ کنوانسیون بوده است. ماده ۳۳ کنوانسیون مربوط به اجرا و نظارت در سطح ملی می‌باشد. این ماده، دولت‌ها را مکلف به ایجاد یک یا چند هسته مرکزی برای مسائل مربوط به اجرای این کنوانسیون می‌کند.

۱- مطابق ماده ۹ قانون مدنی «مقررات عهدی که بر طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول منعقد شده باشد در حکم قانون است.»

هدف

هدف از این تحقیق ارائه راهکارهای مناسب برای فراهم شدن بستر مناسب برای رفاه زندگی و اشتغال افراد معلول و تدوین قوانین بهتری برای کمک به این افراد می‌باشد.

پیشینه

وضعیت معلولان در دوران باستان مورد توجه جوامع مختلف بوده است و بررسی سیر تاریخی این موضوع گواه تحول عمیقی که در این حیطه صورت گرفته است. تلقی معلولیت کودکان در دوران باستان به عنوان مازات الهی سبب قربانی شدن آن‌ها در پیشگاه الهه‌ها و یا طرد آن‌ها از خانواده و جامعه می‌شد. همین امر باعث شد تا بعداً افلاطون نیز در مورد افراد کر و لال واژه لوگوس (logos) یعنی گفتار و تعقل را به کار گیرد و اعلام نماید که «کسی که حرف نمی‌زند نمی‌تواند تعقل کند». شاید بتوان انعکاس این موضوع را به گونه دیگری در دوره اساطیری ایران نیز مشاهده کرد. زمانی که زال به سبب داشتن موی سپید مورد بی‌مهری پدر قرار می‌گیرد و به همین علت از خانه رانده و در بیابان رها می‌گردد.

افراد معلول اغلب به عللی خارج از اراده خود به نوعی ناتوانی جسمی یا روحی یا هر دوی آن‌ها دچار می‌شوند که باید مورد اعتماد جوامع قرار گیرند و اقداماتی در راستای احترام به حقوق ایشان اتخاذ گردد. به طور کلی رویکرد جامعه بشری نسبت به معلولان در سیر زمان متحول شده و می‌توان آن را به سه دوره خلاصه کرد:

دوره اول با رویکرد سنتی نسبت به معلولان بودند و هیچ گونه ارزشی برای آن‌ها در نظر نمی‌گرفتند. ضعف و عدم توانایی ایشان در اداره امور باعث اتخاذ چنین رویکردی نسبت به معلولان می‌شد. لذا در این دوره نگرش مثبتی نسبت به حضور و فعالیت ایشان در جامعه به چشم نمی‌خورد و بدین جهت آنان از جامعه طرد و یا در مواردی به طور کلی از جامعه حذف می‌شدند.

دوره دوم یا شروع توجه به وضعیت ملولین، پایان جنگ‌های جهانی اول و دوم نقطه عطفی برای شروع توجه به وضعیت معلولان بود. بعد از پایان این جنگ‌ها، جامعه رویکرد سنتی و اولیه خود را کنار گذاشت زیرا دیگر نمی‌توانست نسبت به رزمندگان معلول بی‌تفاوت باشد. رزمندگان معلول به مثابه قهرمانان ملی تلقی می‌شدند و به همین دلیل نیز جامعه می‌بایست اقدامات لازم جهت حمایت از حقوق آن‌ها به عمل آورد. این امر خود زمینه ساز توجه به سرنوشت تمامی معلولان اعم از معلولان میدان نبرد و سایر معلولان گردید.

سرانجام دوره سوم یا دوره کنونی است. در این دوره جامعه بشری فاصله زیادی از رویکرد سنتی خود در قبال معلولان گرفت، به تدریج نگرش جامعه نسبت به افراد معلول متحول گردید. و تلاش‌های زیادی در خصوص رعایت و احترام به حقوق ایشان انجام شد. بدین منظور باید زمینه مشارکت وی را تسهیل کرد تا بتوان استعدادهای خود را شکوفا کند.

تدوین مقررات ملی و بین‌المللی در جهت حمایت از حقوق معلولان نشان‌دهنده تغییر اساسی در رویکرد سنتی نسبت به معلولان می‌باشد. به منظور حمایت حقوق معلولان علاوه بر تدوین مقررات،

نهادهایی نیز در حقوق داخلی کشورها پیش‌بینی شده تا اثر حقوق مزبور را تضمین کنند. اوج گسترش و توسعه حقوق افراد به بعد از دهه ۷۰ می‌گردد. تصویب اعلامیه حقوق افراد عقب مانده ذهنی ۱۹۷۱، اعلامیه حقوق اشخاص معلول ۱۹۷۵ و اعلامیه سال ۱۹۸۱ به عنوان سال جهانی معلولان و اختصاص دهه ویژه برای معلولان ۱۹۸۳-۱۹۹۲ توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد از جمله این تلاش‌ها است. البته سازمان‌های دیگری همچون شورای اروپا^۱ و یا به طور خاص سازمان بین‌المللی کار با رویکرد محدودتری در ۱۹۵۵ و ۱۹۸۳ در مورد توانبخشی حرفه‌ای افراد معلول و اشتغال آنان توصیه‌نامه‌ها و مقابله‌نامه‌ها تصویب کرده‌اند. از نظر تاریخی غالب این اسناد مریوز به بعد از جنگ جهانی دوم بوده و از حیث وجودی، می‌توان ادعا کرد که این اسناد بیش از هر چیز تحت تأثیر مستقیم توسعه و ارتقاء موضوع حقوق بشر در جهان بوده است. اما آخرین سند بین‌المللی در مورد معلولان، کنوانسیون حقوق اشخاص مصوب ۲۰۰۶ می‌باشد^۲ که به منظور حمایت بش‌تر از معلولان به تصویب رسیده است.

نتایج

انسان باید در محیطی زندگی کند که واجد شرایطی ملزومات رشد و توسعه جوامع، ایجاد بسترهای فضایی و کالبدی مناسب جهت استفاده همه اقشار جامعه از خدمات و امکانات عمومی، به منظور تحرک و جابجایی بهتر و دسترسی آسانتر در سطح شهر است. معلولان و جانبازان، بخشی از افراد جامعه‌اند که همچون سایرین، نیازمند دسترسی و استفاده از امکانات و خدمات عمومی هستند. اما با وجود برخی موانع به خصوص در نحوه طراحی، معماری و شهرسازی، بسیاری از فضاهای شهری، به ویژه معابر عمومی، پارک‌ها و فضاهای سبز را فاقد شرایط لازم برای برآورده ساختن نیازهای افراد معلول نموده است.^۳

با وجود کاستی‌های موجود در قانون جامع حمایت از حقوق معلولان، باید اذعان داشت که در نظام حقوقی ایران این قانون به عنوان اولین قانونی است که به طور مستقیم حمایت از حقوق معلولان را مورد توجه قرار داده است.

با بررسی و مقایسه کنوانسیون ۲۰۰۶ معلولان و قانون جامع حمایت از معلولان مصوب ۱۳۸۳ کاستی‌ها و خلاهای موجود در مقررات ایران روشن می‌شود. لذا کنوانسیون بین‌المللی مزبور الگو مناسبی خوبی برای اصلاح و بازنگری در مقررات ملی تلقی می‌شود. تقویت مقررات این قانون می‌تواند وضعیت معلولان را در حقوق داخلی بهبود بخشد. بازنگری و لحاظ کردن سیاست جنایی پیشگیرانه و حمایت از معلولان در حقوق جزای شکلی و ماهوی از جمله مواردی است که باید مورد توجه مقنن قرار گیرد. دولت ایران در

1 -Recommandation 1854 de l'Assemblée parlementaire, L'accès aux droits des personnes handicapées et leur pleine et active participation dans société, 2009, Arrêté n 1297 relatif aux mesures pour le recrutement des personnes handicapées, Le Secrétaire Général du Conseil l'Europe, 6 janvier 2009, Résolution 227(2007), Accès des personnes handicapées aux infrastructures et espaces publics, 2007.

۲- کنوانسیون حقوق اشخاص معلول به موجب بند ۱ ماده ۴۵ در تاریخ ۳ مه ۲۰۰۸ لازم‌الاجرا شده و در حال حاضر توسط ۱۴۴ کشور امضا و ۷۷ کشور مورد تصویب واقع شده است.

۳- حناچی، سیمین، ۱۳۸۹، نقش آگاهی عمومی و آموزش تخصصی در مناسب‌سازی محیط شهری، مجموعه مقالات کارگاه تخصصی طراحی فضاهای عمومی قابل دسترسی برای کم‌توانان جسمی، مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن.

غیر مواردی که تمایلی به تطبیق مقررات داخلی با مقررات کنوانسیون ندارد باید تلاش کند تا اقدامات لازم جهت پیروی و تضمین مؤثر تعهدات پذیرفته شده بین‌المللی اش به عمل آورد.

پیشنهاد

الف- اصلاح ساختارهای مدیریتی-اجرائی
 ب- اصلاح فرایندها و سازوکارهای مدیریتی-اجرائی
 ج- فراهم ساختن امکانات و زمینه‌های مناسب آموزشی، فرهنگی و اطلاع‌رسانی و بهسازی وضعیت موجود در ارتباط با رسانه‌های ارتباط جمعی و اماکن آموزشی فرهنگی معلولان
 د- از لحاظ محتوایی، در قوانین مدنی و قانون مجازات اسلامی که از قوانین پایه و مادر به شمار می‌روند قانونگذار صرفاً به معلولان ذهنی (اشخاص کم توان یا ناتوان ذهنی) پرداخته است و از نظر صوری نیز، واژه‌های بکار رفته در این دو قوانین در ارتباط با معلولان مناسب به نظر نمی‌رسد که جای تعقل و بازنگری در قوانین و سیاست‌های کشور دارد.

منابع

۱. برجیان، منصور، ۱۳۸۸، نوابغ و مشاهیر معلول جهان، سروش، چاپ پنجم
۲. بسته‌نگار، محمد، ۱۳۸۰، حقوق بشر از منظر اندیشمندان، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول.
۳. بیگدلی، محمدرضا، ۱۳۸۰، معلولان نامدار ایران و جهان، سازمان آموزش و پرورش استثنایی.
۴. سازمان ملل متحد، ۱۳۷۲، برنامه اقدام جهانی برای معلولان، ترجمه مهدی بابایی اهری، تهران، نشر سازمان مشاور فنی و مهندسی شهر تهران، چاپ اول.
۵. بابایی اهری، مهدی، ۱۳۹۰، برنامه اقدام جهانی برای معلولان، انتشارات سازمان مشاور فنی و مهندسی شهر تهران، چاپ اول.
۶. بابایی اهری، مهدی، ۱۳۹۱، آیین نامه برابری فرصت‌ها برای معلولان (سازمان ملل متحد)، انتشارات سازمان مشاور فنی و مهندسی شهر تهران، چاپ اول.
۷. بابایی اهری، مهدی، ۱۳۹۲، دیدگاه‌هایی درباره ایجاد و گسترش محیط شهری بدون مانع، انتشارات سازمان مشاور فنی و مهندسی شهر تهران، چاپ اول.
۸. ریزی دهکردی، بهمن، ۱۳۸۰، معلولان و سد معابر‌عای معماری و ساختمانی، انتشارات سازمان حمل و نقل و ترافیک تهران.
۹. حناچی، سیمین، ۱۳۸۹، نقش آگاهی عمومی و آموزش تخصصی در مناسب‌سازی محیط شهری، مجموعه مقالات کارگاه تخصصی طراحی فضاهای عمومی قابل دسترسی برای کم توانان جسمی، مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن.
۱۰. بختیار نژاد، پروین، ۱۳۸۴، بزرگ‌ترین اقلیت اجتماعی و محرومیت از حقوق انسانیت فصلنامه تأمین اجتماعی، شماره ۱۶

۱۱. توسلی نایینی، منوچهر، ۱۳۸۷، تاملی بر حقوق معلولان از منظر کنوانسیون حقوق معلولان و سایر اسناد بین‌المللی، مجله حقوق خصوصی، شماره ۱۳.
 ۱۲. السان، مصطفی، ۱۳۸۳، حقوق بشر و حقوق کارگران معلول در مقررات داخلی و بین‌المللی، مجله رفاه اجتماعی، شماره ۱۳.
 ۱۳. قدمی، مجید، ۱۳۸۳، نخستین همایش حمایت حقوقی معلولان در نظام ملی و بین‌المللی با رویکرد به نایینیان، مجله تعلیم و تربیت استثنایی، شماره ۳۰.
 ۱۴. کمانرودی کجوری، موسی، ۱۳۸۹، آسیب‌شناسی ساختاری مدیریت توسعه شهری تهران با تأکید بر مناسب‌سازی فضاهای شهری برای معلولان، مجله مدیریت شهری، شماره ۲۵.
 ۱۵. پاشنه آشیل، ۱۳۸۵، قانون جامع (میزگرد روزنامه اطلاعات درباره موانع اجرایی قانون جامع حمایت از حقوق معلولان) ضمیمه روزنامه اطلاعات، شماره ۲۳۷۹۱.
 ۱۶. رضانی قوام آبادی، محمدحسین، حمایت از معلولان در حقوق بین‌الملل، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال یازدهم، شماره ۴۱.
 ۱۷. سماواتی پیروز، امیر، ۱۳۹۲، ناتوانان بزه دیده از بایسته‌ها جرم شناختی، تا قوانین و مقررات کیفری، مجله حقوق دادگستری، شماره ۵۲-۵۳.
18. Depratment for international Economic and Social Affairs of the United Nations Secretariat (1989)Manual on the Equalization of Opportunities for Disabled persons.New YORK.